



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا
علیها یصی

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

A photograph of a golden dome, likely part of a mosque, with a red flag in the background. The dome is illuminated from below, creating a warm glow. The flag is draped and has a dark border. The text is overlaid on the dome.

پرتوی از سیره و سیمای
سالار شهیدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتوی از سیره و سیمای سالار شهیدان

نویسنده:

مسعود شفیعی کیا

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	پرتوی از سیره و سیمای سالار شهیدان علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۹	هدف قیام
۱۱	نتایج قیام حسینی
۱۵	چهل حدیث
۱۵	اشاره
۱۵	پند امام به عالمان
۱۵	اصلاح امت، نه قدرت طلبی
۱۶	بهداشت جسم و خودسازی
۱۶	اقسام جهاد
۱۷	تباهی دنیا
۱۸	نعمت ناخوش انجام
۱۸	عبادت تاجران، عابدان و آزادگان
۱۸	پرهیز از ستمکاری
۱۸	روی آوردن به دیندار، جوانمرد و اصیل
۱۸	نشانه های مقبول و نامقبول انسانها
۱۸	نشانه های مؤمن
۱۹	بخل ورزی در سلام
۱۹	نتیجه پیروی از گناهکار
۱۹	احترام به ذریه زهرا
۱۹	فلسفه قیام
۱۹	ما اهل بیت شایسته حکومتیم

- ۱۹ امام کیست؟
- ۱۹ اهل بیت شایستگان حکومت
- ۲۰ قیام در مقابل ظالم
- ۲۰ خشنودی خالق، ملاک رستگاری
- ۲۰ بهترین یاران
- ۲۰ آزمودگان استوار امام
- ۲۰ بهترین سخن تسلی بخش
- ۲۱ شکیبایی، پل پیروزی
- ۲۱ فرجام دنیا
- ۲۱ مقاومت مردانه
- ۲۱ آثار غذای حرام
- ۲۱ هیئات که زیر بار ذلت روم
- ۲۲ خشم الهی بر یهود، مجوس و دشمن اهل بیت
- ۲۲ اگر دین ندارید، لااقل آزاد باشید
- ۲۲ پیشی گیرنده در آشتی
- ۲۲ ثواب سلام
- ۲۲ رضای خدا، نه هوای مردم
- ۲۲ ویژگیهای حضرت مهدی
- ۲۳ رؤیای دنیا
- ۲۳ پرهیز از کلام پست و سبک
- ۲۳ جاودانگی در مرگ با عزت
- ۲۳ حرمت حبله و نیرنگ
- ۲۳ مرگ، پدیده گریبانگیر
- ۲۳ اندیشه پایان کار
- ۲۴ درباره مرکز

مشخصات کتاب

نویسنده: مسعود شفیعی کیا

ناشر: مسعود شفیعی کیا

مقدمه

می‌لاد با برکت حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام)، دومین فرزند امام علی و فاطمه زهرا (علیهما السلام) بنا بر مشهور، روز سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه بوده است. پس از ولادت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نام وی را «حسین» گذاشت، آن گاه او را بوسید و گریست و فرمود: تو را مصیبتی عظیم در پیش است، خداوندا! کشنده او را لعنت کن! آن حضرت به مصباح الهدی و سفینه النجاه و سید الشهداء و ابوعبدالله معروف است. مسعودی می نویسد: امام حسین (علیه السلام) مدت هفت سال با رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بود و در این مدت، آن حضرت خود متصدی غذا دادن و علم و ادب آموختن به امام حسین (علیه السلام) بود. شدت علاقه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به حسین (علیه السلام) به قدری بود که کوچکترین ناراحتی او را نمی توانست تحمل کند. روزی پیامبر از در خانه فاطمه (علیها السلام) می گذشت، صدای گریه حسین را شنید، وارد خانه شد و به دخترش فرمود: مگر نمی دانی که گریه حسین در من چقدر مؤثر است، آن گاه طفل را بوسید و گفت: «خداوندا! من این کودک را دوست دارم تو نیز او را دوست بدار.» حدیث معروف «حَسْبِيَنَّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ.»؛ یعنی: «حسین از من است و من از حسینم، خداوند دوست دارد کسی را که حسین را دوست می دارد، حسین سبطی از اسباط است.» مورد قبول شیعه و سنی است. حسین بن علی (علیه

السلام) مدّت شش سال دوران کودکی اش را با پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) سپری کرد و پس از رحلت آن بزرگوار، مدّت سی سال در کنار پدرش علی (علیه السلام) به سر برد و در همه حوادث پرتلاطم دوران آن حضرت حضوری پرتلاش داشت. پس از شهادت امیرمؤمنان (علیه السلام) ده سال تمام همراه و همگام با برادر عزیزش امام حسن (علیه السلام) زندگی کرد و پس از شهادت برادر در سال ۵۰ هجری، به مدّت ده سال، به ارزیابی حوادث زمان پرداخت و بارها به معاویه پرخاش کرد و پس از مرگ او در برابر حکومت یزید، شجاعانه ایستادگی و از بیعت با او خودداری کرد، تا این که در محرم سال ۶۱ هجری به همراه گروهی از بستگان و یاران باوفایش، در سرزمین کربلا به شهادت رسید. حسین بن علی (علیه السلام) نمونه کامل یک انسان برجسته و متشخص بود و نام حسین در اذهان، همراه با شجاعت و ظلم ستیزی و جوش و خروش بر ضد هر گونه ستم و تبعیض است. در دوران پنج سال حکومت پدر با او همکاری می کرد و در پی چاره می گشت که پیش از آن که امت، نفس واپسین را بر آورد، نفحه حیاتی در او بدمد و در تاریخ طرّحی نو دراندازد. سال شصتم به پایان نرسیده بود، امام حسین (علیه السلام) دید که مردم در مقابل برادرش امام حسن (علیه السلام) از نفس افتاده و هرچه از باقیمانده مکتب در میانشان بوده از آنها دور گردیده و توده مردم، خود را در گلوی گشاد بنی امیه انداخته اند. امام احساس کرد که برای به حرکت

در آوردن امت، دیگر خطابه و سخنرانی حماسی کافی نیست، بلکه باید اراده شکست خورده امت را به پذیرفتن فداکاری وادارد و آنان را بر ضدّ باطل بشوراند تا زمینه تحققِ حقّ را فراهم سازد و در این راه، با فداکاری منحصر به فرد خود، برای حال و آینده معیاری ارزشمند و ثابت بر جای نهاد.

هدف قیام

هدف قیام امام حسین (علیه السلام) را به آسانی و بدون تکلف می توان از سخنان آن حضرت استنباط کرد. آن گاه که امام (علیه السلام) بر اثر تهاجم عمال حکومت ناچار شد از مدینه خارج گردد، در ضمن نوشته های، هدف حرکت خود را چنین شرح داد: ۱ «إِنِّي لَعَمْرُ اللَّهِ أَخْرَجْتُ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ حَيْدَى، أُرِيدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ حَيْدَى وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ؛ یعنی: «من از روی خود خواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، من فقط برای اصلاح در امت جدّم از وطن خارج شدم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابیطالب عمل کنم.» در این سخن چند نکته مهم، شایان توجه است: ۱ اصلاح امت، ۲ امر به معروف و نهی از منکر، ۳ تحقق سیره و روش پیامبر و علی (علیهم السلام). ۲ آن حضرت در مقام دیگری فرموده است: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سِلْطَانِ وَلَا التَّمَاثَا مِنْ فُضُولِ الحُطَامِ وَلَكِنَّ لِنُرْدَ المَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكَ وَيَأْمَنَ المَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَيُعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَنِكَ وَأَحْكَامِكَ.»

«بار خدایا! تو می دانی که آنچه از ما اظهار شده برای رقابت در قدرت و دستیابی به کالای دنیا نبوده، بلکه هدف ما این است که نشانه های دینت را به جای خود برگردانیم و بلادت را اصلاح نماییم، تا ستمدیدگان از بندگانت امتیت یابند و به واجبات و سنتها و دستورهای دینت عمل شود.» در این سخن هم چند نکته قابل توجه است: ۱) برگرداندن نشانه و علائم دین به جای اصلی خود، ۲) اصلاحات در همه شهرها، ۳) ایجاد امتیت برای مردم، ۴) فراهم ساختن زمینه عمل به واجبات و مستحبات و احکام الهی. ۳) در برخورد با سپاه حرّ بن یزید ریاحی فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّكُمْ إِن تَتَّقُوا اللَّهَ وَتَعْرِفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ يَكُنْ أَرْضَى لَلَّهِ وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله وسلم) أَوْلَى بِوَلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمِدَّعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ وَالسَّائِرِينَ بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ.» ای مردم اگر شما از خدا بترسید و حق را برای اهلش بشناسید، این کار بهتر موجب خشنودی خداوند خواهد بود. و ما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، به ولایت و رهبری، از این مدعیان نالایق و عاملان جور و تجاوز، شایسته تریم.» ۴) و نیز در مقام دیگر فرمود: «إِنَّا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِنْ تَوَلَّاهُ.» «ما اهل بیت به حکومت و زمامداری نسبت به کسانی که آن را تصرف کرده اند سزاوارتریم.» از این دو بخش از سخن امام (علیه السلام) نیز به وضوح استفاده می شود که آن حضرت خود را شایسته رهبری و زمامداری بر مردم می داند، نه یزید فاسد و دستگاه جائر او را. بنابراین، هدف امام حسین (علیه

السلام) در این قیام، تحقّق کاملِ حقّ بوده است. اموری که آن حضرت به عنوان فلسفه قیامش به آنها اشاره می کند، از قبیل: اصلاح اُمّیت، امر به معروف و نهی از منکر، تحقّق سیره پیامبر و علی، برگرداندن علائم و نشانه های دین به جای خود، اصلاحات در شهرها، امتّیت اجتماعی، فراهم ساختن زمینه اجرای احکام، همه و همه این امور، زمانی قابل تحقّق و اجراست که ولایت و حکومت در مجرا و مسیر اصلی اش قرار گیرد و به دست امام (علیه السلام) بیفتد؛ لذا فرمود: «ما اهل بیت شایسته این مقامیم نه متصرّفانِ متجاوز و جائز». پس هدف نهایی آن حضرت، تشکیل حکومت اسلامی بر اساس سیره پیامبر و علی بوده است؛ که در پرتو آن، احکام الهی اجرا می شود و نشانه های دین آشکار و شهرها اصلاح و امتّیت پابرجا و امر به معروف و نهی از منکر انجام، و سیره و سنّت پیامبر و علی متحقّق، و در نتیجه کار اُمّت اصلاح می گردد. نکته شایان توجه این که تلاش خالصانه برای تشکیل حکومت اسلامی که منبع و منشأ تمام خیرات و برکات است و شعبه مهّم ولایت علی و آل علی (علیه السلام) هم که همان قبول حاکمیت و پذیرش تفسیر آنان از دین است غیر از حکومت و سلطنت استبدادی و ریاست طلبی و کشورگشایی بر اساس هواهای نفسانی است که منشأ تمام مفاسد و شرور است.

نتایج قیام حسینی

۱ درهم شکستن ارکان مخوف دین سالاری ساختگی اُموی که امویان و یارانشان سلطه سلطنتی خود را بر آن استوار ساخته بودند و رسوا ساختن حاکمان تبهکار بنی امیه که پیوسته

در صدد احیای نظام جاهلی بودند. ۲. بیدار کردن وجدانهای خفته: شهادت فجع امام حسین (علیه السلام) در کربلا موجی شدید از احساس گناه در وجدان مسلمانانی که او را یاری نکردند برانگیخت. این احساس گناه دو جنبه داشت: از یک طرف آنها را وادار می ساخت که گناهی را که مرتکب شده اند با کفاره بشویند و از طرف دیگر به کسانی که آنها را به ارتکاب چنین گناهی واداشته بودند، کینه و نفرت بورزند. به طوری که انگیزه قیام توّابین همان کفاره یاری نکردن امام حسین (علیه السلام)، و انتقام گرفتن از امویان بود. مقدر چنین بود که آتش این احساس گناه، پیوسته برافروخته ماند و انگیزه انتقام از بنی امیه در هر فرصت به انقلاب و قیام بر ضدّ ستمگران منتهی گردد. ۳. ارائه اخلاق جدید: قیام امام حسین (علیه السلام) موجب آن گردید که در جامعه، نوعی اخلاق بلند نظرانه پدید آید. امام (علیه السلام) و فرزندان و یارانش در قیام بر ضدّ بنی امیه، اخلاق عالی اسلامی را با همه صفات و طراوت آن نشان دادند. آنان این اخلاق را بر زبان نیاوردند، بلکه با خون خود آن را مسجّل ساختند. مردم عادی قبایل عادت کرده بودند که دین و وجدان خود را به بهای اندک بفروشند و در برابر ستمکاران گردن خم کنند تا از عظایب آنان بهره مند گردند. هدف مسلمانان عادی همان زندگی روزمره شخصی بود و تنها به زندگانی خویش می اندیشیدند. در آنان، دردهای اجتماعی تأثیری نداشت، به قول شاعر: از درد سخن گفتن و از درد شنیدن با مردم بی درد ندانی که چه دردی است! تنها کوشش آنان این بود که دسترنج خویش را

حفظ کنند و به توجیحات رهبران رام باشند، مبدا نامشان از فهرست حقوق بگیران حذف شود، لذا در مقابل جور و ستمی که می دیدند، خاموشی می گزیدند و تمام تلاش آنها این بود که مفاخر قبیله ای خود را بازگو کنند و سنتهای جاهلی خویش را زنده سازند. اصحاب حسین (علیه السلام) مردمی دیگر بودند که در سرنوشت خویش با امام همراه شدند و با این که دارای زن و فرزند و دوستانی بودند و از بیت المال هم حقوقی دریافت می نمودند و زندگانی نسبتاً راحتی داشتند و می توانستند از لذت های حیات برخوردار گردند، از همه اینها چشم پوشیدند و برای نثار جان در راه حسین (علیه السلام) با ستمگران به ستیز برخاستند. برای بیشتر مسلمانان آن روز، این نکته بسی جالب بود که یک انسان بین زندگانی زبونانه و مرگ شرافتمندانه، مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهد. برای مردم این نمونه ای عالی و شگفت انگیز بود. چنان خصلتی وجدان هر مسلمانی را تکان می داد و او را از خواب سنگین و طولانی راحت طلبی و فرصت طلبی بیدار می کرد تا زندگی اسلامی شکلی دیگر گیرد؛ شکلی که سالها پیش از قیام حسین (علیه السلام) از میان رفته بود. قیام امام حسین (علیه السلام) پس از دیری خاموشی، از نو موجب برانگیختن روح مبارزه جویی گردید و این چنین قیام حسینی و کربلای خونین او، همه سدهای روحی و اجتماعی را که مانع قیام و انقلاب می شد، درهم فرو ریخت. قیام حسین (علیه السلام) به مردم این درس را آموخت که به آنان بگویند: تسلیم نشوید، انسانیت خود را

مورد معامله قرار ندهید، با نیروی اهریمن بجنگید، و همه چیز را در راه تحقق آرمانهای اسلام محمّدی (صلی الله علیه و آله وسلم) فدا سازید. قیام حسینی در وجدان گروه بسیاری از مردم این اندیشه را برانگیخت که با حمایت نکردن از حسین (علیه السلام) مرتکب گناه شده اند و باید کفّاره بپردازند و کفّاره آن جز مبارزه با حاکمان جور و ظلم و ریشه کن نمودن بنیاد فاسد استبداد، چیز دیگری نیست. این گونه پس از نهضت حسینی (علیه السلام)، در مکتب، روح انقلاب دمیده شد و مردم در انتظار رهبری قاطع بودند و هر گاه پیشگامِ ظلم ستیزی را می یافتند بر ضدّ حکومت بنی امیه دست به انقلاب می زدند. در همه این انقلابها، شعار انقلابیون، خونخواهی حسین (علیه السلام) بود. انقلاب توأین و انقلاب مردم مدینه و قیام مختار ثقفی در سال ۶۶ هجری و انقلاب زید بن علی بن حسین (علیه السلام) در سال ۱۲۲ هجری، نمونه هایی از ظلم ستیزی است که همه آنها ریشه در حرکت و قیام بی نظیر حسینی (علیه السلام) دارد. در این انقلابها مسلمانان پیوسته به دنبال آزادی و عدالت بودند که حکومت کنندگان آن را خفه کرده بودند و تمام این تحرّکات به برکت تحرّک و قیام حسینی بود. و این گونه حسین (علیه السلام) درس حرّیت و آزادی و استقلال و ظلم ستیزی را تا دامنه قیامت به همه انسانها آموخت. سخنان حضرت ابی عبدالله الحسین، بهترین معرّف هدف والای آن حضرت است، از سرتاسر کلمات حضرتش ندای انسان دوستی و حرّیت و عدالت و ظلم ستیزی و مقاومت در برابر جور حاکمان زر و زور به گوش

می رسد. از میان کلمات قدسی آن حضرت، چهل حدیث را برگزیده ایم که تقدیم خوانندگان ارجمند می کنیم.

چهل حدیث

اشاره

رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام):

پند امام به عالمان

«أَيُّهَا الْعِصَابَةُ بِالْعِلْمِ مَشْهُورَةٌ وَبِالْخَيْرِ مَذْكُورَةٌ وَبِالنَّصِيحَةِ مَعْرُوفَةٌ وَبِاللَّهِ فِي أَنْفُسِ النَّاسِ مَهَابَةٌ، يَهَابِكُمُ الشَّرِيفُ، وَ يُكْرِمُكُمُ الضَّعِيفُ وَ يُؤَثِّرُكُمُ مَنْ لَافِضٌ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَا يَدُّ لَكُمْ عِنْدَهُ، تَشْفَعُونَ فِي الْحَوَائِجِ إِذَا امْتَنَعَتْ مِنْ طُلَابِهَا، وَ تَمْشُونَ فِي الطَّرِيقِ بِهَيْبَةِ الْمُلُوكِ وَ كِرَامَةِ الْأَكَابِرِ... فَأَمَّا حَقُّ الضُّعَفَاءِ فَضَيِّعْتُمْ وَ أَمَّا حَقُّكُمْ بِزَعْمِكُمْ فَطَلَبْتُمْ أَنْتُمْ تَتَمَنَّوْنَ عَلَى اللَّهِ جَنَّتَهُ وَ مُجَاوَرَةَ رَسُولِهِ وَ أَمَانًا مِنْ عَذَابِهِ؟! حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) خطاب به عالمان بی عمل و تارکان امر به معروف و نهی از منکر فرموده اند: ای گروه نیرومندی که به دانش مشهور و به نیکی مذکور و به خیرخواهی معروف و با نام خدا و مذهب در نفوس مردم، با مهابت جلوه گرید! شریف از شما حساب می برد و ضعیف شما را گرامی می دارد، و کسانی که بر آنها برتری و حقی ندارید، شما را بر خود ترجیح می دهند، شما وسیله حوائجی هستید که بر خواستارانش ممتنع است، و به هیبت پادشاهان و کرامت بزرگان در راه گام برمی دارید...! و اما حق ضعیفان را ضایع کردید! و حق خود را که به گمانتان شایسته آنید طلب نمودید...! و با این حال آرزوی بهشت الهی را دارید و همجواری پیامبران و امان از عذابش را در سر می پرورانید!

اصلاح امت، نه قدرت طلبی

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَ لَا اِتِّمَاسًا مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرَدِّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِضْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَا أَمَّنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ أَحْكَامِكَ.» دربارہ فلسفہ قیامش فرمود: بار خدایا! تو می دانی که آنچه از

ما اظهار شده برای رقابت در قدرت و دستیابی به کالای دنیا نیست؛ بلکه هدف ما این است که نشانه های دینت را به جای خود برگردانیم و بلاد را اصلاح نماییم تا ستمدیدگان از بندگانت امتیت یابند و به واجبات و سنتها و دستورهای دینت عمل شود.

بهداشت جسم و خودسازی

«أوصيكم بتقوى الله و أخذركم أيامه... فبادروا بصحة الأجسام في مده الأعمار... فإياك أن تكون ممن يخاف على العباد من ذنوبهم و يأمن العتوبه من ذنبه.» ای مردم! شما را به تقوای الهی سفارش می کنم و از (گناه کردن) در ایامش برحذر می دارم... در مدت عمر به سلامت و تندرستی جسم پیشی گیرید... و از کسانی مباشید که بر گناه بندگان بیم دارند و خود از عقوبت گناه خویش آسوده خاطراند!

اقسام جهاد

«الجهاد على أربعة أوجه: فجهادان فرض و جهاد سینه لا يقام إلا مع فرض و جهاد سینه، فأما أحد الفرضين فجهاد الرجل نفسه عن معاصي الله و هو من أعظم الجهاد، و مجاهدته الذين من الكفار فرض. و أما الجهاد الذي هو سینه لا يقام إلا مع فرض فإن مجاهدته العدو فرض على جميع الأمم لو تركوا الجهاد لآتاهم العذاب و هو من عذاب الأمم و هو سینه على الإمام، و حده أن يأتي مع الأمم فيجاهدهم. و أما الجهاد الذي هو سینه فكل سینه أقامه الرجل و جاهد في إقامتها و بلوغها و إحيائها، فالعمل و السعى فيها من أفضل الأعمال لأنها إحياء سینه و قد قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): «من سن سینه حسنه فله أجرها و أجر من عمل بها إلى يوم القيمة من غير أن ينقص من أجورهم شيئاً.» جهاد بر چهار گونه است: دوتای آن فرض، و یکی سنت که جز با فرض برپاداشته نشود، و دیگر جهاد سنت. اما آن دوتایی که فرض است، یکی جهاد شخص با نفس خود در مقابل معصیتهای الهی است، و آن بزرگترین جهاد است، و جهاد با کفار که هم مرز با شمايند

فرض است. و اما جهادی که سنت است و جز با فرض برپا نشود، جهاد با دشمن است، و واجب است بر همه امت، و اگر جهاد را ترک کنند عذاب بر آنان آید و این عذابی است که از خود امت است. و چنین جهادی بر امام سنت است و حد آن این است که امام با امت به سراغ دشمن روند و با آنها جهاد کنند. و اما جهادی که سنت مطلق است عبارت از هر سنتی است که شخص آن را برپا می دارد و در برپایی و اجرا و زنده کردن آن تلاش می کند. بنابراین، هر نوع کار و کوشش در اقامه آن از بهترین اعمال خواهد بود، زیرا که آن زنده نمودن سنت است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است: «هر که سنت و روش نیکویی را به وجود آورد پاداشش برای او خواهد بود و نیز ثواب هر که تا روز قیامت بدان عمل کند، بدون آن که از ثواب آنها هم چیزی کاسته شود.»

تباهی دنیا

«إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَعَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَذْبَرَ مَعْرُوفَهَا، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صِبَابَةٌ كَصِبَابَةِ الْإِنَاءِ وَ خَسِيسٌ عَيْشٌ كَالْمَرْعَى الْوَبِيلِ، أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ، لِيُرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا، فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سِعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا - بَرْمِيًا، إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعِيقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَ مَادَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ.» امام حسین (علیه السلام) در هنگام سفر به کربلا فرمود: راستی این دنیا دیگرگونه و ناشناس شده و معروفش پشت کرده، و از آن جز

نمی که بر کاسه نشیند و زندگی ای پست، همچون چراگاه تباه، چیزی باقی نمانده است. آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی گردد؟ در چنین وضعی مؤمن به لقای خدا سزاوار است. و من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز هلاکت نمی بینم. به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین بر سر زبان آنهاست و مادام که برای معیشت آنها باشد پیرامون آن اند، و وقتی به بلا آزموده شوند دینداران اندک اند.

نعمت ناخوش انجام

«الْأَسْتِدْرَاجُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسَبِّحَ عَلَيْهِ النَّعَمَ وَيَسْلُبَهُ الشُّكْرَ.» غافلگیر کردن بنده از جانب خداوند به این شکل است که به او نعمت فراوان دهد و توفیق شکرگزاری را از او بگیرد.

عبادت تاجران، عابدان و آزادگان

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.» گروهی خدا را از روی میل و رغبت (به بهشت) عبادت می کنند که این عبادت تاجران است، و گروهی خدا را از روی ترس (از دوزخ) می پرستند و این عبادت بندگان است و گروهی خدا را از روی شکر (و شایستگی پرستش) عبادت می کنند و این عبادت آزادگان است که بهترین عبادت است.

پرهیز از ستمکاری

«إِيَّاكَ وَالظُّلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ» بر حذر باشید از ستم کردن به کسی که یابری جز خداوند عزوجل ندارد.

روی آوردن به دیندار، جوانمرد و اصیل

«لَا تَرْفَعْ حَاجَتَكَ إِلَّا إِلَىٰ أَحَدٍ ثَلَاثَةً: إِلَىٰ ذِي دِينَ، أَوْ مُرَّوَه، أَوْ حَسَب.» جز به یکی از سه نفر حاجت مبر: به دیندار، یا صاحب مروّت، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد.

نشانه های مقبول و نامقبول انسانها

«مِنْ دَلَائِلِ عِلْمِ الْغَيْبِ: أَلْحُلُوسُ إِلَىٰ أَهْلِ الْعُقُولِ. وَمِنْ عِلْمَاتِ أَهْلِ الْجَهْلِ الْمُمَارَاهُ لِغَيْرِ أَهْلِ الْكُفْرِ. وَمِنْ دَلَائِلِ الْعَالَمِ إِنْتِقَادُهُ لِحَدِيثِهِ وَ عِلْمُهُ بِحَقَائِقِ فُنُونِ النَّظْرِ.» از دلائل نشانه های قبول، همنشینی با خردمندان است. و از نشانه های موجبات نادانی، مجادله با مسلمانان. و از نشانه های دانا این است که سخن خود را نقادی می کند و به حقایق فنون نظر، داناست.

نشانه های مؤمن

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخَذَ اللَّهُ عِضْمَتَهُ وَ قَوْلَهُ مِرَّاتَهُ، فَمَرَّةً يَنْظُرُ فِي نَعْتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ تَارَةً يَنْظُرُ فِي وَصْفِ الْمُتَجَبَّرِينَ، فَهُوَ مِنْهُ فِي لَطَائِفِ وَ مِنْ نَفْسِهِ فِي تَعَارُفِ وَ مِنْ فِطْنَتِهِ فِي يَقِينِ وَ مِنْ قُدْسِهِ عَلَى تَمَكِينِ.» به راستی که مؤمن خدا را نگهدار خود گرفته و گفتارش را

آینه خود، یک بار در وصف مؤمنان می نگردد و بار دیگر در وصف زورگویان، او از این جهت نکته سنج و دقیق است و اندازه و قدر خود را می شناسد و از هوش خود به مقام یقین می رسد و به پاکی خود استوار است.

بخل ورزی در سلام

«الْبَخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ»: بخیل کسی است که به سلام کردن بخل ورزد.

نتیجه پیروی از گناهکار

«مَنْ حَاوَلَ امْرَأً بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتًا لِمَا يَرْجُو وَ أَسِيرًا لِمَا يَحْذَرُ»: کسی که با نافرمانی خدا گردد کسی گردد، آنچه را امید دارد از دست رفتنی تر است و از آنچه برحذر است زودتر دچارش گردد.

احترام به ذریه زهرا

«وَ اللَّهُ لَا أَعْطَى الدَّيَّةَ مِنْ نَفْسِي أَبَدًا وَ تَلَقَيْنَ فَاطِمَةَ أَبَاهَا شَاكِيَةً مَا لَقِيَتْ ذُرِّيَّتَهَا أُمَّتَهُ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَحَدٌ أَذَاهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا»: به خدا قسم من هرگز زیر بار پستی و ذلت نخواهم رفت و در روز قیامت، فاطمه زهرا پدرش را ملاقات خواهد کرد، در حالی که از آزاری که فرزندانش از امت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دیده اند به پدر خویش شکایت خواهد برد و کسی که ذریه فاطمه را آزار دهد داخل بهشت نخواهد شد.

فلسفه قیام

«إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّهِ جَدِّي (صلی الله علیه و آله وسلم) أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرِهِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ»: من از روی خودخواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، بلکه قیام من برای اصلاح در امت جدّم می باشد، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابیطالب عمل کنم.

ما اهل بیت شایسته حکومتیم

«إِنَّا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِنْ تَوْلَاهُ»: ما اهل بیت به حکومت و زمامداری نسبت به کسانی که آن را تصرف کرده اند سزاوارتریم.

امام کیست؟

«فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ وَالْأَخِذُ بِالْقِسْطِ وَ الدَّائِنُ بِالْحَقِّ وَ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ»: به جان خودم سوگند، امام و پیشوا نیست، مگر کسی که به قرآن عمل کند و راه قسط و عدل را در پیش گیرد و تابع حق باشد و خود را در راه رضای خدا وقف سازد.

اهل بیت شایستگان حکومت

«أَيُّهَا النَّاسُ فَايُنْكُمُ إِن تَتَّقُوا اللَّهَ وَتَعْرِفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ يَكُنْ أَرْضَى لِلَّهِ وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَوْلَى بِوَلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُدَّعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ وَالسَّائِرِينَ بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ.» ای مردم! اگر شما از خدا بترسید و حق را برای اهلش بشناسید، این کار بهتر موجب خشنودی خداوند خواهد بود و ما اهل بیت پیامبر، به ولایت و رهبری، از این مدعیان نالایق و عاملان جور و تجاوز، شایسته تریم.

قیام در مقابل ظالم

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسِيئًا تَحَلَّى لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِرًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُعَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مُدْخَلَهُ.» هان ای مردم! پیامبر خدا فرموده است: کسی که زمامداری ستمگر را ببیند که حرام خدا را حلال می سازد و عهدش را می شکند و با سنت پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) مخالفت می ورزد و در میان بندگان خدا بر اساس گناه و تجاوز عمل می کند، ولی در مقابل او با عمل یا گفتار، اظهار مخالفت ننماید، بر خداوند است که او را با همان ظالم در جهنم اندازد.

خشنودی خالق، ملاک رستگاری

«لَا أَفْلَحَ قَوْمٌ إِشْتَرَوْا مَرْضَاتِ الْمَخْلُوقِ بِسِيْخِطِ الْخَالِقِ.» رستگار مباد مردمی که خشنودی مخلوق را در مقابل غضب خالق خریدند.

بهترین یاران

«إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصِيْحَابًا أَوْلَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصِيْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِيٍّ وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمُ اللَّهُ جَمِيْعًا خَيْرًا.» در شب عاشورا فرمود: من اصحاب و یارانی را بهتر از یاران خود ندیده ام و اهل بیت و خاندانی بهتر و باوفاتر از اهل بیت خود سراغ ندارم، خداوند به همه شما جزای خیر دهد.

آزمودگان استوار امام

«وَاللَّهِ لَقَدْ بَلَوْتُهُمْ فَمَا وَجَدْتُ فِيهِمْ إِلَّا الْأَفْعَسَ يَسْتَأْنِسُونَ بِالْمَيْتَةِ دُونِي إِسْتِنَاسَ الطُّفْلِ إِلَى مَحَالِبِ أُمِّهِ.» در باره اصحاب خود فرمود: به خدا قسم آنان را آزمودم، دلاور و استوارشان دیدم، به کشته شدن در رکاب من چنان مشتاق اند که طفل شیرخوار به پستان مادرش!

بهترین سخن تسلی بخش

«إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ وَأَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْقُونَ وَأَنْ كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ بِقُدْرَتِهِ وَيَبْعَثُ الْخَلْقَ فَيَعُودُونَ وَهُوَ فَرْدٌ وَحْدَهُ.» در مقام تسلی به خواهر بزرگوارش فرمود: اهل زمین می میرند و اهل آسمان باقی نمی مانند و همه چیز رو به فناست، جز ذات پروردگاری که زمین را به قدرتش آفریده، و خلق را برانگیزاند و همه به سوی او باز می گردند، و او تنهای یگانه است.

شکیبایی، پل پیروزی

«صَبْرًا يَا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعْمِ الدَّائِمَةِ.» به اصحاب رزمنده خود در روز عاشورا فرمود: ای بزرگ زادگان! صبر و شکیبایی ورزید که مرگ چیزی جز یک پُل نیست که شما را از سختی و رنج عبور داده به بهشت پهناور و نعمتهای همیشگی آن می رساند.

فرجام دنیا

«عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مِنَ الدُّنْيَا عَلَى حِدْرٍ فَإِنَّ الدُّنْيَا لَوْ بَقِيَتْ عَلَى أَحَدٍ أَوْ بَقِيَ عَلَيْهَا لَكَانَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَحَقَّ بِالْبُقَاءِ وَأَوْلَى بِالرِّضَا وَأَرْضَى بِالْقَضَاءِ غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْفَنَاءِ فَجَدِيدُهَا بَالٌ وَنَعِيمُهَا مُضْمَحِلٌّ وَسِرُّورُهَا مُكْفَهَرٌ وَالْمَنْزِلُ تَلَعَهُ وَالِدَاؤُ قَلْعُهُ. فَتَرَوُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الرِّزَادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.» بندگان خدا! از خدا بترسید و از دنیا برحذر باشید که اگر بنا بود همه دنیا به یک نفر داده شود و یا یک فرد برای همیشه در دنیا بماند، پیامبران برای بقا سزاوارتر بودند و جلب خشنودی آنان بهتر و چنین حکمی خوش آیندتر بود، ولی هرگز! زیرا خداوند دنیا را برای فانی شدن خلق نموده که تازه هایش کهنه و نعمت هایش زایل خواهد شد و سرور و شادی اش به غم و اندوه مبدل خواهد گردید، منزلی پست و خانه ای موقت است، پس برای آخرت خود توشه ای بگیرید. و بهترین توشه آخرت تقواست، از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

مقاومت مردانه

«لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ يَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَفِرُّ مِنْهُمْ فِرَارَ الْعَبِيدِ.» نه به خدا سوگند، نه دست ذلت در دست آنان می گذارم و نه مانند بردگان از صحنه جنگ در برابرشان فرار می کنم.

آثار غذای حرام

«وَيَلِكُمْ مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْصَبُوا إِلَيَّ فَتَسْتَمِعُوا قَوْلِي وَ إِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ وَ مَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَ كُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ لِقَوْلِي قَدْ أَنْخَلْتُ عَطِيَّتَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ مِلْتُمْ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ فَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِكُمْ.» در روز عاشورا خطاب به سپاه ظلم فرمود: وای بر شما چرا ساکت نمی شوید، تا گفتارم را بشنوید؟ همانا من شما را به راه هدایت و رستگاری فرامی خوانم، هر کس از من پیروی کند سعادت مند است و هر کس نافرمانی ام کند از هلاک شدگان است، شما همگی نافرمانی ام می کنید و به سختم گوش نمی دهید، آری در اثر هدایای حرامی که به شما رسیده و در اثر غذاهای حرامی که شکم هایتان از آنها انباشته شده، خداوند این چنین بر دلهای شما مهر زده است!

هیئات که زیر بار ذلت روم

«أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مِّنَا الدَّلَّةُ يَا بَنِي اللَّهِ لَنَا ذَلِكَ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ وَ أَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَ نُفُوسٌ آيَةٌ مِنْ أَنْ تُؤَثِّرَ طَاعَةَ اللَّنَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ.» آگاه باشید که فرومایه، فرزند فرومایه، مرا در بین دو راهی شمشیر و ذلت قرار داده است و هیئات که ما زیر بار ذلت برویم، زیرا خدا و پیامبرش و مؤمنان از این که ما ذلت را بپذیریم دریغ دارند، دامنه‌های پاک مادران و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران، روا نمی دارند که اطاعت

افراد لثیم و پست را بر قتلگاه کریمان و نیک منشان مقدم بداریم.

خشم الهی بر یهود، مجوس و دشمن اهل بیت

«إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ إِذْ جَعَلُوا لَهُ وَلَدًا وَ اِشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصَارَى إِذْ جَعَلُوهُ ثَالِثَ ثَلَاثَةٍ وَ اِشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْمَجُوسِ إِذْ عَيَّدُوا الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دُونَهُ وَ اِشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى قَوْمِ إِتْنَفَتْ كَلِمَتُهُمْ عَلَى قَتِيلِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِمْ.» خشم خداوند بر یهود آن گاه شدت گرفت که برای او فرزندی قرار دادند، و خشمش بر نصاری وقتی شدت یافت که برای او قائل به خدایان سه گانه شدند، و غضبش بر مجوس آن گاه سخت شد که به جای او آفتاب و ماه را پرستیدند، و خشمش بر قوم دیگری آن گاه شدت یافت که بر کشتن پسر دختر پیامبرشان هماهنگ گردیدند.

اگر دین ندارید، لااقل آزاد باشید

«يا شِيعَةَ آلِ أَبِي سَفِيَانَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ وَ اِرْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ عَرَبِيًّا كَمَا تَزْعُمُونَ.» ای پیروان خاندان ابوسفیان! اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی ترسید لااقل در زندگی دنیاتان آزادمرد باشید، و اگر خود را عرب می پندارید به نیاکان خود بیندیشید.

پیشی گیرنده در آشتی

«أَيُّمَا إِثْنَيْنِ جَرَى بَيْنَهُمَا كَلَامٌ فَطَلَبَ أَحَدُهُمَا رِضًا الْآخَرَ كَانَ سَابِقُهُ إِلَى الْجَنَّةِ.» هر یک از دو نفری که میان آنها نزاعی واقع شود و یکی از آن دو رضایت دیگری را بجوید، سبقت گیرنده، اهل بهشت خواهد بود.

ثواب سلام

«لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تَشَعُّ وَ سِتُونَ لِلْمُجْتَبَدِ وَ وَاحِدَةٌ لِلزَّادِ.» سلام کردن هفتاد حسنه دارد، شصت و نه حسنه از آن سلام کننده و یکی از آن جواب دهنده است.

رضای خدا، نه هوای مردم

«مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ، وَ مَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ.» هر کس رضای خدا را به غضب مردم بجوید، خدا او را از کارهای مردم کفایت می کند، و هر کس خشنودی مردم را به غضب خدا بجوید، خدا او را به مردم واگذارد.

ویژگیهای حضرت مهدی

«تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ وَ بِمَعْرِفَةِ الْحَلَالِ وَ بِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ.» درباره حضرت مهدی (علیه السلام) فرموده: شما مردم، آن حضرت را به داشتن آرامش و متانت و به شناخت حلال و حرام و به رو آوردن مردم به او و بی نیازی او از مردم می شناسید.

رؤیای دنیا

«وَاعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا حُلُوهَا وَ مَرُّهَا حُلْمٌ وَ الْآخِرَةُ فِي الْآخِرَةِ.» بدانید که دنیا شیرینی و تلخی اش رؤیایی بیش نیست، و آگاهی و بیداری واقعی در آخرت است.

پرهیز از کلام پست و سبک

چیزی به زبانتان نیاورید که از ارزش شما بکاهد.

جاودانگی در مرگ با عزت

«لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةٌ خَالِمَةٌ وَ لَيْسَتِ الْحَيَاةُ مَعَ الذَّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ.» مرگ در راه عزت جز زندگی جاوید، و زندگی با ذلت جز مرگ بی حیات نیست.

حرمت حيله و نیرنگ

«وَ الْخَدْعُ عِنْدَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مُحَرَّمٌ.» حيله و نیرنگ نزد ما اهل بیت حرام است.

مرگ، پدیده گریبانگیر

«حُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاهِ وَ مَا أَوْلَاهَنِي إِلَى أَسْلَافِي إِشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ.» قبل از حرکت از مکه به سوی عراق در میان جمعی از بنی هاشم فرمود: مرگ گردنگیر فرزندان آدم است؛ همچون گردنبنند بر گردن دختر جوان، و من مشتاق دیدن گذشتگانم هستم، مانند اشتیاقی که یعقوب به دیدن یوسف داشت.

اندیشه پایان کار

«فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعِدُّ نَفْسَهُ فَدَارُ ثَوَابِ اللَّهِ أَعْلَى وَ أَنْبَلُوْا إِنْ تَكُنِ الْأَمْوَالُ لِلتَّرَكِ جَمْعَهَا فَمَا بَالُ مَتْرُوكٍ بِهِ الْمَرْءُ يَبْخُلُوْا إِنْ تَكُنِ الْأَرْزَاقُ قَسِيْمًا مُقْسَمًا فَقَلَّةٌ حِرْصِ الْمَرْءِ فِي الْكَسْبِ أَجْمَلُوْا إِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشَأَتْ فَقَتْلُ امْرِءٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مِنَ اللَّهِ يَا آلَ أَحْمَدَ فَإِنِّي أَرَانِي عَنْكُمْ سَوْفَ أَرْحَلُدِر.» حضرت در مسیر حرکت به جانب کوفه فرموده است: زندگی دنیا گرچه نفیس و پربهاست، ولی پاداش خدا در جهان دیگر بالاتر و پربهاتر است. و اگر سرانجام جمع آوری مال و ثروت، ترک نمودن آن است، پس نباید مرد برای آن بخل ورزد. و اگر روزی های بندگان، تقسیم و مقدر شده است، پس کمی حرص مرد در کسب، زیباتر. و اگر بدن ها برای مرگ آفریده شده است، پس کشته شدن مرد در راه خدا چه بهتر. درود بر شما ای خاندان پیامبر، که من به زودی از میان شما کوچ خواهم کرد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

